

پار دریا



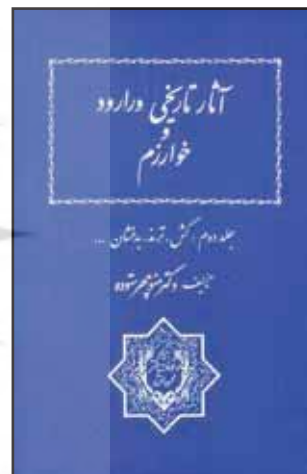
● بهناز جلالی پور

شد و جلد سوم و پایانی نیز مراحل آخر تصحیح را می‌گذراند و تا چند ماه دیگر منتشر می‌شود.

دکتر ستوده که دارای دکتری ادبیات است، می‌گوید که دانشگاه او را به سوی تاریخ و جغرافیا منحرف کرده است، وگرنه همچنان در ادبیات مشغول می‌ماند. طی سال‌های گذشته، یکی از اصلی‌ترین کارهایش تدریس تاریخ و جغرافیا بوده و سال‌ها نیز به واسطه کار تدریس، در حال مطالعه در خصوص تاریخ و جغرافیا به خصوص ماوراءالنهر بوده است.

■ در مقدمه کتاب، در خصوص چرایی تألیف این کتاب به جلسه‌ای اشاره کرده‌اید که در خصوص جاده ابریشم توسط یونسکو برگزار شده بود و شما نیز سخنانی در اعتراض به اطلاعاتی که در آن جمع داده شده است، صحبت کرده‌اید و بعد از آن تحقیقات در خصوص آسیای میانه آغاز شده است. ارتباط این ماجرا و پیشنهاد یونسکو به شما در این خاطره‌ای که به آن اشاره کرده‌اید، چه بود؟

□ در آن جلسه که در خصوص جاده ابریشم بود، با نقشه‌ای که به دیوار زده بودند، در چشم برهم زدنی ما را از تکن به قلب پاریس بردند. تاریخچه‌ای که برای جاده ابریشم و نام آن بیان کردند، اساساً اشتباه بود. تا قرن ۱۱ و ۱۲ هجری قمری در هیچ کدام از کتاب‌ها، اسمی از جاده ابریشم برده نشده است. در ثانی ابریشم در سه ماه اول سال به عمل می‌آید و محصول آن، همان زمان جمع‌آوری و فروخته می‌شود. پس در باقی سال ابریشمی وجود ندارد که به واسطه عبور از این جاده نامش بر روی آن باقی بماند. این اسم‌گذاری اشتباه بوده و اروپاییان این نام را براساس خودمحموری بر روی این جاده گذاشته‌اند.



■ آثار تاریخی ویرارود و خوارزم

■ منوچهر ستوده

■ تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۲ جلد، چاپ

اول، ۱۳۸۶، ۱۰۳۴ صفحه

صدای شاداب و پرانرژی دکتر منوچهر ستوده، چنان است که باور کردن این مسأله را که وی متولد ۱۲۹۲ است، مشکل می‌کند. خطوط تلفن به سرعت تهران را به چالوس نزدیک می‌کند و استاد زمانی را با آرامش و نشاط به گفت‌وگو می‌پردازد و خود تأیید می‌کند که متولد ۲۸ تیرماه ۱۲۹۲ است؛ هرچند صدایش خیلی جوان است.

ساده و کوتاه از چاپ «آثار تاریخی ویرارود و خوارزم» می‌گوید که سال ۸۴ جلد اول آن و سال ۸۶ جلد دوم آن منتشر



هدف از نوشتن این کتاب تعیین و مشخص شدن محیط فرهنگی ایران است که اکنون شاید در یک مرز واحد سیاسی نباشد

بعد از آن جلسه، یونسکو با نیت تطمیع من، پیشنهاد انجام تحقیقات در خصوص ماوراءالنهر و خوارزم را مطرح کرد. در واقع هدف این بود که من بعد از این تحقیقات به این نتیجه برسم که چنین جاده‌ای وجود داشته است و سابقه تاریخی که در خصوص آن می‌گویند، نیز واقعیت دارد.

■ شکل تحقیقات قرار بود چگونه باشد؟

□ براساس طرحی که تهیه کردم، قرار شد کل منطقه را بازدید کنم. یونسکو حاضر شد کل هزینه‌های آن را نیز متقبل شود. در واقع اساس این کتاب، تحقیقاتی است که شخصاً با حضور در منطقه ماوراءالنهر و خوارزم انجام داده‌ام. از بخارا به سمرقند رفتم و شهرها و روستاهایی را که در مسیر بود یک‌به‌یک بازدید کردم.

■ هزینه چاپ کتاب را نیز قرار بود یونسکو بپردازد؟

□ خیر. قرار بر این بود که وزارت امور خارجه آن را منتشر کند که به دلایلی این کار را نکرد و در نهایت پس از پایان نگارش کتاب، آن را به مؤسسه دکتر افشار بردم و در آن جا چاپ شد.

■ نکته‌ای که در سراسر کتاب به شدت به چشم می‌آید،

تأکید شما بر فرهنگ و زبان فارسی و هنر ایرانی است.

□ بله. اساس نگارش کتاب همین بود. هدف از نوشتن این

کتاب تعیین و مشخص شدن محیط فرهنگی ایران است که اکنون شاید در یک مرز واحد سیاسی نباشد؛ اما روزگاری بوده و اکنون خارج از این خطوط، هنوز آثار آن را می‌توان دید. محیط فرهنگی ایران از ورارود و ماوراءالنهر شروع شده و تا ختن نیز ادامه پیدا می‌کند. در تمام طول این منطقه آثار تاریخی، هنری، معماری ایرانی را می‌توان دید و من سعی کردم اطلاعاتی در این موارد جمع‌آوری کنم.

■ در جلد اول و دوم که اکنون منتشر شده است، تفاوتی از نظر سبک نگارش وجود دارد. جلد اول کتابی است که هر فصل آن مربوط به تاریخ و جغرافیا است همراه با مستندات و لحن کلام آن خشک و محکم است؛ اما در جلد دوم، نثر کتاب تغییر می‌کند و بیشتر توصیفی است.

□ احتمالاً تفاوت نگاه‌ها موجب چنین برداشتی شده؛ و گرنه

من چنین تفاوتی در این دو جلد و حتی جلد سوم نمی‌بینم.

که اساساً رشته من ادبیات است و سال‌ها با آن مأنوس بوده‌ام. استنادات من هم به اشعاری است که از تاریخ و جغرافیای منطقه ردی در آن‌ها وجود دارد. وگرنه به هیچ یک از اشعار عرفانی یا عاشقانه استناد نکرده‌ام.

■ مخاطبان اصلی کتاب شما چه کسانی هستند؟ دانشجویان تاریخ یا

□ کدام دانشجو الان به دنبال کسب اطلاعات در این زمینه‌ها است؟ تا به حال دانشجویی که اساساً توجهی به این منطقه داشته باشد و بخواهد رساله خود را در این زمینه تهیه کند یا اطلاعاتی در مورد آن کسب کند، ندیده‌ام. اما هر کسی که علاقه‌ای به کسب اطلاعات در مورد تاریخ، جغرافیا، هنر و معماری این منطقه داشته باشد، می‌تواند مخاطب کتاب باشد.

■ در حال حاضر چه می‌کنید؟

□ الان تحقیقاتی در مورد رشته جبال البرز و راه‌های چارواداری قدیم از آستارا تا شمال خراسان را انجام می‌دهم. در این مطالعات راه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و کاروانسراهایی را که در این منطقه جغرافیایی قرار دارد مشخص می‌کنم. همچنین در حال بررسی زبان مردم تهران از ابتدای دوره قاجار تا کنون هستم.

مصاحبه با مدیر انتشارات

مؤسسه وقفی دکتر محمود افشار، در کوچه لادن - نرسیده به باغ فردوس خیابان ولی‌عصر - قرار دارد. اساس و بنیاد این مؤسسه در جهت پاسداری از تاریخ فارسی است.

دکتر محمود افشار، متولد ۱۲۶۹ در یزد، که خود دانش‌آموخته علوم سیاسی از دانشگاه لوزان سوییس بود، پس از بازگشت به ایران، در دارالفنون به تدریس علوم سیاسی مشغول شد و در سال‌های بعد، مجله آینده (۱۳۰۴) و بنیاد ادبی دکتر افشار را راه‌اندازی کرد. وی، پیش از مرگ، وصیت کرده بود که هر آن

نام آسیای میانه در واقع به مجموعه خوارزم و ورارود گفته می‌شود. نامی که به اعتقاد مؤلف گویا نیست و به‌طور کامل، این مجموعه و تمدن آن را در برنمی‌گیرد

سفرم را از آمودریا شروع کردم و تا پایان مسیر آن رفتم. از رودخانه زرافشان تا سمرقند و سیردریا

■ در جلد دوم حالت مسافرگونه شما بیشتر خود را نشان می‌دهد. فضایی که از مناطق می‌سازید. توصیفی که از بناها می‌کنید. مثل این است که شما خواننده را همراه خود به سفر می‌برید.

□ از این نظر شاید تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در بخش اول، من حدود جغرافیایی و تاریخی منطقه را به دقت تعیین کرده‌ام. همین عامل شاید باعث شده که لحن کتاب جدی‌تر باشد؛ چرا که با منطقی روشن باید وضعیت جغرافیایی و تاریخی را مشخص می‌کردم. در جلد دوم و سوم که به هنر، معماری و بناها پرداخته‌ام، شرایط من را نیز همراه خود کشید و شاید از این جهت تفاوتی بین نثر جلد اول با جلد دوم و سوم دیده می‌شود.

■ منابعی که از آن‌ها استفاده کرده‌اید.....

□ منبعی در این زمینه نبود. من تنها از عکس‌هایی که در کتاب‌ها وجود داشت، استفاده کرده‌ام. این به غیر از ۱۱۵ حلقه فیلمی است که طی سفر ۶۴ روزه خود گرفتم. مطالبی که بتوان از آن به عنوان منبع استفاده کرد، حتی در زبان روسی نیز وجود نداشت و بیشتر جنبه ظاهرسازی و فریب‌کاری داشت. من سفرم را از آمودریا شروع کردم و تا پایان مسیر آن رفتم. از رودخانه زرافشان تا سمرقند و سیردریا. بعد از آن کل منطقه در پوشش اطلاعاتی‌ام قرار گرفت. در مسیرم هرچه از آثار و ابنیه بود، یک‌به‌یک بازدید کردم و جغرافیا و تاریخ آن را توضیح دادم.

■ اما از کتاب‌هایی به عنوان منابع نام برده‌اید. حتی به اشعار فردوسی و سعدی نیز استناد کرده‌اید.

□ من از عکس‌ها استفاده کرده‌ام. کتاب‌های بسیاری را برای تحقیق گرفتم؛ اما مطالب قابل استنادی در این خصوص وجود نداشت.

در مواردی به اشعار فردوسی و سعدی استناد کرده‌ام؛ چرا



نام‌های ترکستان، ترکستان شرقی و ترکستان افغان مرزبندی‌هایی است که در طول زمان و برای جدایی بین ایرانیان انجام شده است

افشار هستند.

اصفهانیان: «کتاب‌هایی که برای چاپ به مؤسسه ارسال می‌شوند جزو کتاب‌های خاص هستند و متعلق به افرادی معدود. این کتاب‌ها از آن جهت که گستره وسیعی را در برمی‌گیرند و نیازمند تحقیقات وسیع هستند، معمولاً به عنوان کتاب‌های مرجع در دیگر کتاب‌ها از اطلاعات آنها استفاده می‌شود.»

مجموعه سه جلدی «آثار تاریخی وراورد و خوارزم»، نوشته دکتر منوچهر ستوده، از جمله آثاری است که جلد اول آن در سال ۸۴ در این بنیاد به چاپ رسید و جلد سوم آن نیز ظرف چندماه آینده منتشر خواهد شد. «آثار تاریخی وراورد و خوارزم»، در پاییز سال ۸۶ به عنوان کتاب فصل انتخاب شد.

یکی از مهم‌ترین اهدافی که بنیاد موقوفات دکتر افشار پیگیری می‌کند، انتشار کتاب‌ها و آثار قدیمی و متون کهن است. مدیرمسئول انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار: «کلیه کتاب‌های قدیمی که انتشار آنها متوقف شده و ناشران به دلیل زمان‌بر بودن انتشار آن و ترس از عدم بازگشت سرمایه، تمایلی برای چاپشان ندارند، به دلیل اهمیت حفظشان، در این مؤسسه به چاپ می‌رسند تا از نابودی آنها جلوگیری شود و برای نسل‌های بعدی باقی بماند.»

معرفی کتاب

سال ۷۱، یونسکو تصمیم گرفت یک گروه تحقیقاتی برای مطالعه دقیق در خصوص جاده ابریشم تشکیل دهد. این مسأله همان سال در جلسه‌ای در تهران با حضور جمعی از اساتید تاریخ مطرح شد و در خصوص اهمیت و جایگاه آن در ارتباطات مراکز قدرت و تجارت طی سالیان پیش صحبت شد؛ اما دکتر منوچهر ستوده، مسأله‌ای فراتر از یک جاده را مطرح کرد و چرایی‌هایی در خصوص نوع مبادلات و تردها در این جاده را طرح کرد. موضوع مورد اشاره وی، آسیای میانه بود.

چه در تهران، شمیران و شهرری دارد، وقف و صرف تألیف، ترجمه، چاپ کتاب و رسائل مربوط به ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیای ایران شود.

وی، در کتاب «پنج وقف‌نامه»، چگونگی صرف هزینه‌ها را عنوان کرده است.

هدف اصلی «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار»، بر اساس وصیت واقف، «تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران است. کتب باید مربوط به لغت و دستور ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد.»

در بند دیگری از اهداف این بنیاد واقف تأکید کرده است: «مقداری از کتب و رسالات چاپ‌شده با بودجه این موقوفات، باید به‌طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.»

واقف مصارف وقف را نیز شامل تألیف، ترجمه، چاپ کتاب و رساله‌ها مربوط به ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیای ایران دانسته است. همچنین، اعطای جایزه به دانش‌پژوهان، شاعران و دانشمندان ادبیات فارسی که هر سال به یکی از افراد برتر ادبیات تعلق می‌گیرد.

کتاب‌هایی که در بنیاد موقوفات منتشر می‌شود، به تأیید هیات‌گزینش، که جمعی از اساتید زبان و تاریخ هستند، می‌رسد.

کریم اصفهانیان، مدیرمسئول انتشارات «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار»: «کتاب‌هایی که در این مؤسسه به چاپ می‌رسند باید متناسب با اهداف واقف و در جهت توسعه زبان و تاریخ و جغرافیای فارسی باشند. این کتاب‌ها در هیات‌گزینش که شامل اساتید، پژوهشگران و صاحب‌نظران است، مطرح می‌شود و پس از تأیید این هیات، اجازه انتشار پیدا می‌کند.»

در حال حاضر اعضای هیات‌گزینش شامل دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر کاوه بیات، دکتر ژاله آموزگار و دکتر ایرج

روس‌ها پس از این که یکی از
کانون‌های تمدن جهان، یعنی تمدن
سغدی را به چنگ آوردند، به جای نام
خوارزم و وراورد، این خاک را آسیای
میانه یا ترکستان خواندند



شناخت ایران اصلی، نیازمند تحقیق بر روی ایران، به دور از مرزبندی‌های سیاسی امروزی است

دو ماه پس از آن بود که پیشنهاد انجام تحقیقات گسترده در خصوص آسیای میانه از سوی یونسکو، به محقق و استاد دانشگاه تهران داده شد. پیشنهادی که در نهایت منجر به تدوین سه جلد کتاب «آثار تاریخی ورارود و خوارزم» شد.

نام آسیای میانه در واقع به مجموعه خوارزم و ورارود گفته می‌شود. نامی که به اعتقاد م‌ؤلف گویا نیست و به‌طور کامل، این مجموعه و تمدن آن را دربر نمی‌گیرد. «خوارزم که از دوهزار سال پیش از میلاد مسیح نیز همین نام را داشته است، و ورارود یا ماوراءالنهر یا پاردریا، بیش از ۳۵۰۰ سال تمدن دارد. اما روس‌ها پس از این که یکی از کانون‌های تمدن جهان، یعنی تمدن سغدی را به چنگ آوردند، به جای نام خوارزم و ورارود، این خاک را آسیای میانه یا ترکستان خواندند. در صورتی که این بخش میانه آسیا نیست و می‌توان گفت علت این نام‌گذاری و تأکیدات بعدی که برخی از جغرافی‌دانان بدون ارائه تحقیقات کامل و سند بر این نکته کردند، از آن روست تا ما از دو شهر سمرقند و بخارا دست بکشیم و این دو نام چندین هزار ساله را زیر پوشش آسیای میانه خفه کنیم.»

در واقع وی معتقد است که نام‌های ترکستان، ترکستان شرقی و ترکستان افغان مرزبندی‌هایی است که در طول زمان و برای جدایی بین ایرانیان انجام شده است و حتی نام‌هایی که در این نقاط وجود دارد، همه ریشه ایرانی دارد و ترکان در محدوده جغرافیایی خارج از ایران به سر می‌برده‌اند.

مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و تصویربرداری از محدوده

جغرافیایی و تاریخی ورارود و خوارزم که امروز با نام آسیای میانه شناخته می‌شوند، از آن روی اهمیت دارد که شناخت ایران اصلی، نیازمند تحقیق بر روی ایران، به دور از مرزبندی‌های سیاسی امروزی است. نکته‌ای که نویسنده نیز در مقدمه کتابش به اختصار به آن اشاره کرده است: «برای مطالعه و بررسی آثار و بناهای ایران تاریخی نمی‌توان به ایران سیاسی امروز بسنده کرد.»

تحقیقات و تدوین کتاب در خصوص آسیای میانه، با سفری از تهران و با مینی بوسی ۷ نفره آغاز شد و پس از عبور از مرز ایران و روسیه، به عشق‌آباد، دوشنبه، خارق (پایتخت تاجیکستان)، پنجک، تاشکند، سمرقند، بخارا و تاشکند کشیده شد.

نویسنده در جلد اول، کلیاتی درباره جغرافیای تاریخی ورارود آورده و حدود آن را توضیح داده است.

شیوه نگارش کتاب به گونه‌ای است که گویی نویسنده قصد دارد دست خواننده‌اش را بگیرد و با خود در سفری که داشته، همراه کند

برجا هستند. این بخش توسط نویسنده تک‌به‌تک بازدید شده و هنگام نگارش نیز مطالبی را در خصوص آن مکان‌ها که در کتاب‌های پیشینیان موجود است، ذکر کرده است.

در بخش دیگر، توجه خود را معطوف به آثاری کرده که دیگر موجودیت ندارند؛ اما نام و نشان آن‌ها در کتاب‌ها وجود دارد. این بخش که به نقل قول از دیگر کتاب‌ها است، از آن جهت در کتاب آورده شده تا خواننده منطقه و مکان‌های آن را چه به لحاظ سطح اهمیت و جایگاه اثر و بنا و چه از نظر معماری و چگونگی احداث آن بشناسد.

دکتر منوچهر ستوده، با استفاده از ۵۹ منبع فارسی و ۲۰ منبع انگلیسی، تاریخ ورارود و خوارزم را تدوین کرده است و پس از آن حدود دقیق منطقه را مشخص کرده و نظرات ضد و نقیضی را که در خصوص این مناطق وجود دارد، در کنار هم آورده و تضادها را روشن کرده است. در دو جلد دیگر به آثار تاریخی شهرها و مناطق مختلف این سرزمین دیرینه پرداخته و بیشتر حالت تحقیقاتی و میدانی پیدا کرده است.

در این بخش، مؤلف در نقش یک راهنمای سفر ظاهر می‌شود، مبدأ را مشخص می‌کند و برای چگونه به مقصد رسیدن، راه‌هایی را که می‌توان انتخاب کرد نشان می‌دهد و توضیح می‌دهد که در هر کدام از راه‌ها چه چیزهایی وجود دارد و از کدام ولایات و شهر و روستاها باید عبور کرد. در مسیر چه گیاهانی روئیده و هر منطقه شاهد چه زاد و ولدها و چه جنگ و پیروزی‌هایی بوده است. حتی کلمات و اصطلاحاتی را که در بین راه از زبان محلی‌ها شنیده، همراه با تلفظ صحیح، ریشه لغوی و معنی آن‌ها آورده است. آداب و رسوم اهالی یا حکمرانان آنان، آن‌ها که پیش از این بوده و حال یا تغییر شکل داده و یا به کلی فراموش شده‌اند. چگونگی انتصاب‌ها و عزل و شیوه‌های حکمرانی، سمبل‌های خاص هر شاه و حکمران و همچنین ترجمه فارسی کتیبه‌هایی موجود را نیز تشریح کرده است. در پایان نیز ۱۵۵ عکس از آثار و بناهای منطقه را ضمیمه جلد دوم کتاب کرده است.

در این بخش سابقه حضور نام آسیای میانه در کتب و نقشه‌های به‌جای‌مانده از دوران پیش از میلاد مسیح بررسی شده است. نام آسیا در سال ۴۵۰ قبل از میلاد مسیح در نقشه‌ای که هرودت کشیده، برای نخستین بار آمده و این نام در دیگر کتاب‌ها نیز پس از آن تکرار شده است. همچنین در خصوص شیوه زندگی و اقتصاد افرادی که در این ناحیه جغرافیایی زندگی می‌کرده‌اند نیز، توضیحاتی وجود دارد. نویسنده از آن جهت به این نکات و همچنین روابط افراد اشاره کرده است تا نشان دهد که در دوران باستان آن سوی آمودریا نیز آریایی نشین بوده‌اند. شیوه نگارش کتاب به گونه‌ای است که گویی نویسنده قصد دارد دست خواننده‌اش را بگیرد و با خود در سفری که داشته، همراه کند. لحنی که گاهی آن را با شعر و گاه با ضرب‌المثل می‌آمیزد. برای اثبات حدود مناطق، علاوه بر استناد به کتب تاریخی و جغرافیایی، گاه به اشعار سعدی و فردوسی نیز اشاره کرده و آن‌ها را به شهادت آورده است.

در ادامه، بحث تاریخ ورارود و همسایه‌های آن مطرح شده است. شیوه بیان در این بخش به این گونه است که وقایع و رویدادهای این سرزمین اعم از ولادت و وفات افراد، جنگ‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها، تسخیر ورارود توسط روس‌ها، حمله ترکان به ایران، فرقه‌ها و پیشوایان، القاب امیران و مشایخ و عرفا را به ترتیب زمانی و به طور مختصر توضیح داده است. و حسن ختام جلد اول، معرفی آثار هنری، معماری و تاریخی سمرقند و بخارا است. آثار یک‌به‌یک از نظر موقعیت جغرافیایی، سال ساخت و احیاناً سال تخریب و مخرب آن، نوع معماری، مصالح به‌کاررفته در آن و متن کتیبه‌هایی که موجود است، توضیح داده شده است. در صورتی که عکسی از آثار در هر کتابی موجود بوده است، ضمیمه بخش پایانی کتاب شده که در مجموع شامل ۱۷۴ قطعه عکس می‌شود.

مؤلف در خصوص چگونگی تهیه و تنظیم آثار تاریخی ورارود و خوارزم، می‌گوید که به دو گونه عمل کرده است. اول ذکر مطالبی در خصوص آثار و بناهای موجودی که همچنان پا